

## **Recognition and analysis of the preconceptions of the realization of the new Islamic civilization**

### **With a theological approach with emphasis on the thought of Imam Khamenei**

Assadollah Kurdfiroozjaei\*

Received: 2020/03/05

**Abstract**

Accepted: 2020/05/05

The Supreme Leader, as a revolutionary thinker, raised an important issue called the realization of a new Islamic civilization, which is strategically important, and research on this issue has a religious and theological approach in that it is in line with the divine promise in the Qur'an. It matters. The problem is that Western civilization, based on liberal principles and humanistic anthropology, is now being widely propagated and there is concern that in the not-too-distant future it will permeate Islamic societies, including the Islamic Republic, with Islamic teachings and goals. The Islamic Revolution is in conflict. Imam Khamenei has proposed a new Islamic civilization in the face of the invasion of Western civilization. Therefore, in order to increase knowledge and strengthen the intellectual and doctrinal strength, the question must be answered: What are the preconceptions and theological and doctrinal infrastructures for the realization of the new Islamic civilization? The possible answer to this question is that belief in the maximum religion and association with the Ahl al-Bayt (AS) and the like can be considered as the foundations of the realization of a new Islamic civilization. This article has tried; Using library tools and referring to the Supreme Leader's website, and using the method of Sabro Taksim argument, he first tests and hypothesizes all the hypotheses and then selects the acceptable ones, and finally agrees with the conclusion that believing in the maximum religion, Monotheism, central Imamate and Islamic anthropology are considered as preconditions for the realization of a new Islamic civilization.

**Keywords:** Modern Islamic civilization, Western civilization, theology, anthropology, reason, Imamate.

---

\*Assistant Professor of Philosophy and Theology, Imam Sadegh Institute of Islamic Sciences- Qom- Islamic Republic of Iran.  
akf474@yahoo.com

## بازشناسی و تحلیل پیش‌انگاره‌های تحقق تمدن نوین اسلامی با رویکرد کلامی با تأکید بر اندیشه امام خامنه‌ای

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۱۶

اسداله کردفیروزجانی\*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۰۹

### چکیده

مقام معظم رهبری به عنوان یک متفکر انقلابی، مسئله مهمی بنام تحقق تمدن نوین اسلامی را مطرح نمودند که از نظر راهبردی دارای اهمیت است و پژوهش در این موضوع با رویکرد دینی و کلامی از حیث اینکه این موضوع با وعده الهی در قرآن همخوانی دارد، دارای اهمیت است. امام خامنه‌ای در برابر تهاجم تمدنی غرب، تمدن نوین اسلامی را مطرح کرده‌اند. از این رو، جهت معرفت‌افزایی و تقویت بنیه فکری و اعتقادی، باید به این پرسش پاسخ داد که: پیش‌انگاره‌ها و زیرساخت‌های کلامی و اعتقادی تحقق تمدن نوین اسلامی کدامند؟ پاسخ احتمالی این پرسش این است که باور به دین حداکثری و همراهی با اهلیت (ع) و مانند آن می‌توانند از بنیان‌های تحقق تمدن نوین اسلامی محسوب شوند. این مقاله کوشیده است؛ با ابزار کتابخانه‌ای و رجوع به سایت مقام معظم رهبری و با روش برهان سبب و تقسیم ابتدا همه فرضیه‌ها را مورد سنجش و امتحان قرار دهد و سپس موارد مقبول را انتخاب نماید و سرانجام به این نتیجه رضایت داده است که باور به دین حداکثری، توحید باوری، امامت‌محوری و انسان‌شناسی اسلامی از پیش‌انگاره‌های تحقق تمدن نوین اسلامی محسوب می‌شوند.

واژگان کلیدی: تمدن نوین اسلامی، تمدن غرب، دین‌شناسی، انسان‌شناسی، عقل، امامت.

\*استادیار پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)، قم، جمهوری اسلامی ایران، (نویسنده مسئول).

## مقدمه

طرح مباحث تمدن نوین اسلامی یکی از مباحث بنیادین و جذابی است که توسط رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خامنه‌ای در سال‌های اخیر مطرح گردیده است. دست‌یابی به این تمدن که همواره از آن به مدینه فاضله تعبیر می‌شود، (خامنه‌-ای، ۱۳۸۸/۴/۲۹) مستلزم توجه به برخی از پیش‌انگاره‌ها است که از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین آنها، پیش‌انگاره‌ها با رویکرد کلامی و اعتقادی است که دست‌یابی به تمدن نوین اسلامی بدون این دسته از پیش‌انگاره‌ها میسر نخواهد بود. امام خامنه‌ای خط ترسیمی در نظام جمهوری اسلامی را رسیدن به خط تمدن نوین اسلامی می‌داند (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۷/۱۴) و معتقد است که به ناچار باید فرایند چند گانه‌ای همچون؛ نظام اسلامی، دولت اسلامی و جامعه اسلامی را پشت سر گذاشت و آنگاه به تمدن نوین اسلامی دست یافت. (خامنه‌ای، ۱۳۹۶/۶/۶) از آنجایی که هریک از این فرایندها با ایدئولوژی اسلامی درآمیخته است، پس نمی‌توان نسبت به وجود پشتوانه‌ها و زیرساخت‌های کلامی که نقش کلیدی در رفع موانع ایدئولوژیکی فرایندهای یادشده را دارند بی‌تفاوت ماند. پس به ناچار جهت معرفت‌افزایی برای جویندگان حقیقت، لازم است در باره پیش‌انگاره‌ها و پیش‌فرض‌های با رویکرد کلامی که در تحقق تمدن نوین اسلامی نقش آفرینی می‌نمایند به پژوهش پرداخت. از این جهت، این پژوهش می‌تواند رديه‌ای باشد برگروندگان به تمدن مبتنی بر لیبرالیسم غرب و کسانی که نسبت به تمدن نوین اسلامی احساس مسئولیت نمی‌کنند و یا بدبین می‌باشند. با این فرض سؤال اساسی این تحقیق آن است که پیش‌انگاره‌ها با رویکرد کلامی در تحقق تمدن نوین اسلامی کدامند و چه نقشی دارند؟ در پاسخ احتمالی این پرسش می‌توان گفت زمانی دین و ایدئولوژی در فرایندهای تحقق تمدن نوین اسلامی می‌تواند صاحب نقش باشد که ابزاری وجود داشته باشد تا بتوان با آن از گزاره‌های دینی مرتبط با آن فرایندها

دفاع کرد و این ابزار غیر از علم کلام و مسائل مربوط به آن چیز دیگری نخواهد بود. بنابراین، بررسی نقش برخی از مسائل علم کلام، در فرآیندهای تحقق این تمدن و نیز در شکل‌گیری آن، موضوعی است که به مثابه یک مسئله کلیدی باید به آن نگرسته شود.

#### ۱. پیشینه تحقیق

با توجه به جستجوی نسبتاً وسیعی که در پیشینه عنوان «پیش‌انگاره‌های تحقق تمدن نوین اسلامی با رویکرد کلامی با تأکید بر اندیشه امام خامنه‌ای» انجام گرفته است؛ عنوانی مطابق با آن یافت نشده است. اما پژوهش‌هایی مرتبط با آن انجام گرفته اند که نویسنده در سرانجام رساندن این مقاله از هریک از آنها بهره برده است که به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌شود: کتاب «کاوش‌های نظری در الهیات و تمدن» (بابایی، ۱۳۹۳)؛ کتاب «تمدن‌شناسی، درآمدی بر ظهور و افول تمدن‌ها و وضعیت تمدن انقلاب اسلامی» (بیگدلی، ۱۳۹۶)؛ همچنین مقالاتی مانند: «ظرفیت نظام آموزشی امامیه در پیشرفت فرهنگ و تمدن اسلامی (با تأکید بر پنج قرن نخست هجری)، (یاوری سرتختی، ۱۳۹۸، صص ۲۶۲-۲۹۲)؛ «تبارشناسی تمدن در غرب جدید» (بابایی، ۱۳۹۶، صص ۵۳-۶۲)؛ «مجموعه مقالات نخستین هفته نامه علمی تمدن نوین اسلامی» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۶)؛ «واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری» (اکبری و رضایی، صص ۸۵-۱۰۸)؛ «انقلاب اسلامی و نقش محوری آن در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی با تأکید بر دکترین امامت»، (نجفی و غلامی، ۱۳۹۷، صص ۱۲۱-۱۴۰)؛ فرایند تحقق تمدن اسلامی از منظر حضرت آیت الله خامنه‌ای» (جهان‌بین و معینی پور، ۱۳۹۳، صص ۲۹-۴۶)؛ هر یک از این پژوهش‌ها به بخشی از اهدافی که این مقاله دنبال می‌نماید پرداختند ولی امتیاز مقاله پیش رو در این است که به پیش‌انگاره‌های کلامی تمدن نوین اسلامی می‌پردازد که مقالات پیشین فاقد آن بودند.

## ۲. چارچوب نظری

### الف) مفاهیم اصلی

برای حصول معنای روشن از عنوان «بازشناسی و تحلیل پیش‌انگاره‌های تحقق تمدن نوین اسلامی با رویکرد کلامی با تأکید بر اندیشه امام خامنه‌ای» لازم است، واژگان «تمدن»، «کلام» و دیگر واژگان احتمالی مرتبط با آنها مفهوم‌شناسی شوند. یک تمدن: در این قسمت از بحث به مفهوم؛ تمدن، تمدن اسلامی و تمدن نوین اسلامی پرداخته می‌شود. واژه «تمدن» در لغت فارسی به معنای؛ شهرنشینی، خوی شهری‌گرییدن و به اخلاق مردم شهر آشنا شدن، همکاری مردم با یکدیگر در امور زندگی و فراهم ساختن اسباب ترقی و آسایش، آمده است (عمید، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۶۱۵) و در عربی نیز از آن به «حضاره» به معنای شهرنشینی و زندگی شهری در مقابل بادیه‌نشینی تعبیر می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ص ۶۸ و بابایی، ۱۳۹۶، ص ۵۹). اما در اصطلاح می‌توان آن را نوعی نظم اجتماعی دانست که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی ممکن می‌شود و جریان می‌یابد (دورانت، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۰). ابن‌خلدون نیز تمدن را به حالت اجتماعی انسان اطلاق می‌کند و اجتماع انسان را مفهومی می‌داند که از آن باید به مدنیت یاد کرد (ابن‌خلدون، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۱). به عبارت دیگر تمدن را می‌توان به عنوان تشکل هماهنگ انسان‌ها در حیات معقول، همراه روابط عادلانه و اشتراک همه افراد و گروه‌ها در پیشبرد اهداف مادی و معنوی انسان‌ها در همه ابعاد مثبت یاد کرد (جعفری، ۱۳۶۲، ج ۵، ص ۱۶۱). با این وصف تمدن جز با وجود انبوهی از انسان‌های همدل، هم‌فکر و هم‌فرهنگ و عمل محقق نخواهد شد (بیگدلی، ۱۳۹۶، ص ۲۵) و تعریف مختار مانیز همین خواهد بود.

تمدن‌ها به صورت عام و کلی دارای اشکال مختلفی هستند که هر یک به حسب ویژگی‌هایی که دارند از همدیگر تمییز داده می‌شوند و تمدن اسلامی نیز بر اساس

ویژگی‌های دین اسلام و ارزش‌ها و باورهای دینی است. تمدن نوین اسلامی نیز عبارت است از ظهور و بروز مادی و معنوی پیشرفت‌های هدفمند و جدید امت اسلامی. بر این اساس تمدن نوین اسلامی درصدد این نیست که زندگی گروه و دسته خاصی از انسان‌ها را از نظر معنوی و مادی نجات دهد؛ بلکه درصدد است نجات‌بخش حیات امت اسلامی باشد. به همین خاطر مقام معظم‌رهبری هدف انقلاب اسلامی و ملت ایران را ایجاد یک تمدن نوین اسلامی می‌داند (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

دو. کلام: تعریف‌های گوناگونی توسط متکلمان و الهی‌دانان مسلمانان برای علم کلام ارائه شد. (طوسی، ۱۳۵۱، ج ۲، ص ۲۳۷؛ السیوری، ۱۴۰۵، صص ۷-۸؛ لاهیجی، بی‌تا، ص ۵؛ همو، ۱۳۸۳، ص ۴۲؛ مظفر، ۱۴۲۲، ص ۱۷) اما روشن‌ترین تعریف‌ها را شهید مطهری ارائه نموده است. وی می‌نویسد: علم کلام علمی است که درباره عقاید اسلامی یعنی آنچه از نظر اسلام باید بدان معتقد بود و ایمان داشت بحث می‌کند به این نحو که آنها را توضیح می‌دهد و درباره آنها استدلال می‌کند و از آنها دفاع می‌نماید (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۶۲). به عبارت دیگر در تعریف علم کلام می‌توان گفت: «علم کلام دانشی است که به استنباط، تنظیم، تبیین معارف و مفاهیم اعتقادی پرداخته و بر اساس شیوه‌های مختلف استدلال اعم از برهان، جدل، خطابه و... گزاره‌های اعتقادی را اثبات و توجیه می‌کند و به اعتراض‌ها و شبهات مخالفان دینی پاسخ می‌دهد.» (خسروپناه، ۱۳۸۳، ص ۴). این تعریف، تعریفی است که به فواید، اهداف و وظایف علم کلام را دربرمی‌گیرد که از جمله آن اهداف و فواید، «پاسداری از آموزه‌های دین و زدودن شبهات از آن» (خسروپناه، ۱۳۸۳، ص ۴) می‌باشد. بنابراین، دخالت علم کلام در تحقق تمدن نوین اسلامی در این مقاله به این معنا است که برخی از مسائل علم کلام مانند اصل دین، توحید، امامت و مانند آن در تحقق تمدن نوین اسلامی نقش‌آفرینی می‌کنند و بدون آنها تمدن نوین

اسلامی از مسیر خود منحرف خواهد شد.

### ب) رهیافت‌ها در تمدن

تمدن به حسب ویژگی‌ها و اهداف دارای رهیافت‌های مختلفی است و هم اکنون در جهان معاصر در رابطه با تمدن دو رهیافت وجود دارد:

#### یک. تمدن غرب

یکی از رهیافت‌ها در رابطه با تمدن، تمدن غرب است. خاستگاه این تمدن در مغرب زمین است و بر اساس انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی مبتنی بر مکتب اومانیسم و پوزیتیویسم شکل یافته است و در فرایند شکل‌گیری از توحید و وحی بی‌بهره و تهی است. از این جهت تمدن غرب با صرف نظر از پیشرفت‌های مادی، دچار ضعف‌ها و بحران‌های معرفتی، اخلاقی و اجتماعی فراوانی است که هم اکنون جامعه سکولار غرب از آن رنج می‌برد و بازخورد آن کاملاً برای آن جامعه ملموس و روشن است. این رهیافت از تمدن محصول جهان‌بینی مادی است که نتیجه اش جز به بن بست رسیدن بشر امروزی جهان غرب اثری نخواهد داشت.

#### دو. تمدن اسلام

رهیافت دیگر از تمدن، تمدن اسلامی است که نبی مکرم اسلام (ص) آن را بنا نهاده است که مدینه النبی نمونه آن است. اگر چه این تمدن در دوره‌هایی دچار فترت گردیده است. اما با آغاز انقلاب اسلامی جهشی به خود گرفته و برخی از فرایندهای آن که از جمله انقلاب اسلامی و برپایی نظام اسلامی باشند به وقوع پیوستند و هم اکنون در مراحل فرایندهای دیگر یعنی دولت اسلامی و جامعه اسلامی است که همه اینها در آینده تمدن نوین اسلامی را نوید می‌دهند. تحقق تمدن نوین اسلامی تنها در شعار خلاصه نمی‌شود؛ بلکه از وعده‌های تخلف‌ناپذیر الهی است و از این جهت می‌توان دریافت که تمدن نوین اسلامی رقیب جدی تمدن غرب می‌باشد؛ (نجفی و غلامی، ۱۳۹۷، ص ۱۲۶) زیرا خداوند متعال وعده

داده است که خوبان و فرهیختگان را حاکم بر زمین قرار دهد و از طرفی در آموزه‌های دینی تأکید شد که وعده خدا تخلف‌ناپذیر است؛ زیرا وعده دهنده خداست و وعده خدا مانند وعده برخی از انسان‌ها توخالی و بی‌اساس نیست، بلکه وعده‌ای است حتمی و تخلف‌ناپذیر و هر زمانی که خداوند مصلحت بداند، به آن عمل خواهد کرد (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۶، ص ۱۵۶). خداوند متعال در قرآن، آن وعده تخلف‌ناپذیر را چنین بیان می‌نماید:

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (نور/۵۵)

خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد؛ همان‌گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین [خود] قرار داد، و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند، و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند، [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند، و هر کس پس از آن به کفر گراید؛ آن‌اند که نافرمانند.

در این آیه شریفه پس از اشاره به گزینش صالحان برای جانشینی خدا در زمین و ایجاد مدینه فاضله، به تمدنی مژده داده می‌شود که: ۱. مردم آن جامعه در امنیت کامل به سر می‌برند و از هردشمنی در امان هستند. ۲. در آن جامعه فقط خدا عبادت می‌شود و راه هر نوع تملقی مسدود است. ۳. این نوع تمدن در هیچ برهه‌ای از زمان، از زمان بعثت نبی مکرم اسلام (ص) تا کنون تحقق نیافته است و فقط منطبق بر زمان ظهور حضرت حجت (عج) می‌باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۵، ص ۱۵۵). مقام معظم رهبری نیز منظور از وعده تخلف‌ناپذیر الهی را، تحقق تمدن



نوین اسلامی می‌داند و می‌فرماید: «تحقق کامل وعده‌ی الهی یعنی پیروزی حق بر باطل و بازسازی امت قرآن و تمدن نوین اسلامی» [که] در راه است (خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۹/۱۷) و همه باید برای تحقق آن بکوشند.

### ۳. پیش‌انگاره‌ها با رویکرد کلامی

تحقق تمدن نوین اسلامی از بسیاری از علوم همچون؛ تفسیر قرآن، حدیث، اخلاق، فقه و مانند آن می‌تواند متأثر باشد. به این معنا که مسائل هر یک از این علوم می‌توانند به عنوان پیش‌انگاره و پیش‌فرض در تحقق تمدن نوین اسلامی نقش داشته باشند. اما برخی از پیش‌انگاره‌ها با رویکرد کلامی نیز می‌توانند در تحقق تمدن نوین اسلامی نقش داشته باشند. رازش این است که تمدن نوین اسلامی مقوله‌ای است که در همه فرایندهایش با برخی از آموزه‌های دینی همراه است که هر یک از آنها از مسائل کلامی نیز محسوب می‌شوند. از همین جهت در این قسمت به برخی از پیش‌انگاره‌های تحقق تمدن نوین اسلامی با رویکرد کلامی پرداخته می‌شود.

#### پیش‌انگاره اول: دین‌شناسی

یکی از مبانی و پیش‌انگاره‌های تحقق تمدن نوین اسلامی دین است؛ زیرا نگره‌های متفاوت نسبت به دین می‌توانند دارای برایندها متفاوت باشند. از این رو، نوع نگاه به گستره دین می‌تواند در تحقق یا عدم تحقق تمدن نوین اسلامی نقش داشته باشد. در اینجا تلاش می‌شود به دو نگاه از دین اشاره شود و سپس مورد ارزیابی قرار گیرند.

۱. **انگاره حداقلی:** نگره حداقلی به دین، نگاه خاصی در هدف از بعثت انبیا دارد. این نگاه از دین بر این اصل استوار است که هدف بعثت انبیا آخرت‌گرایانه بود و هیچ‌نگاهی به مسائل سیاسی اجتماعی و... نداشت. (بازرگان، ۱۳۸۱، صص ۸۱-۸۲ و سروش، ۱۳۷۴، ص ۶۱) بنابراین، اگر دین با نگاه حداقلی نگریده شده شود،

برآیندش تحقق تمدن نوین اسلامی نخواهد بود؛ زیرا دین حداقلی فقط بر رابطه فردی انسان با خدا تأکید می‌ورزد و رابطه انسان با اجتماع که از عناصر مهم تحقق تمدن نوین اسلامی است را در گستره و قلمرو خود نمی‌بیند.

**نقد انگاره حداقلی:** در نقد انگاره حداقلی دین مطالب فراوانی می‌توان بیان نمود که در اینجا به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌شود.

۱. صاحبان نگره حداقلی بر این باورند که هدف از بعثت انبیا، تأمین آخرت انسان‌ها بود نه تأمین دنیا. در پاسخ به این فرضیه می‌توان گفت: اولاً دنیا و آخرت در عرض همدیگر نیستند تا با پرداختن به دنیا حق آخرت ضایع گردد؛ بلکه در طول همدیگرند. بدین معنا که فعالیت‌های معقول و مشروع دنیوی مقدمه تأمین نیازمندی‌های آخرت است. (خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۳/۱۴) از این منظر، دنیا و آخرت دو اصل به هم پیوسته می‌باشند. ثانیاً هدف بعثت انبیا این بود که مردم در مسیر درست و نیازهای حقیقی خود جهت دستیابی به کمال و سعادت هدایت شوند (حلی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۶۸) که رسیدن به تمدن نوین اسلامی از جمله نیازهای حقیقی انسان است که می‌تواند وی را به سعادت و کمالات اخروی نزدیک کند. امام خمینی (ره) در رد نگاه آخرت‌گرایانه انگاری هدف بعثت انبیا می‌فرماید: «آنچه گفته شده و می‌شود که انبیا به معنویت کار دارند و حکومت و سررشته‌داری دنیایی مطرود است و انبیا و اولیا و بزرگان از آن احتراز می‌کردند و مانیز باید چنین کنیم، اشتباه تأسف آور است که نتایج آن به تباهی کشیدن ملت‌های اسلامی و باز کردن راه برای استعمارگران خونخوار است.» (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱، ص ۴۰۷). امام خامنه‌ای نیز در این رابطه می‌فرماید: «دین مقدس اسلام نیامده است تا انسان‌ها در کنج معبدها، فقط به عبادت مشغول شوند. بلکه صحنه‌ی زندگی مردم، صحنه‌ی سیاست و عرصه‌ی مسائل عظیم اجتماعی و سیاسی و اقتصادی، در قلمرو احکام مقدس اسلامی است.» (خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۳/۱۴).

۲. در نگره حداقلی آموزه‌های دین اسلام -از جمله آنها تشکیل دولت- با آموزه‌های مسیحیت و آیین کلیسا مقایسه و سنجیده شده است و این منصفانه نیست؛ زیرا آموزه‌های مسیحیت موجود، تحریف شده و ناقصند(خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۲/۱۹) ولی دین اسلام به عنوان دین خاتم، دین جامع و کامل است و برای دنیا و آخرت برنامه دارد. مقام معظم‌رهبری در این رابطه می‌فرماید: «در اسلام وضعیت بکلی متفاوت است.-یعنی با مسیحیت فرق دارد- در اسلام ضدیت دین با علم و ضدیت دین با عقل، اصلاً معنا ندارد.»(خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۷/۵) چنانکه امام خمینی(ره) می‌فرماید: «(مسیحیت) راجع به تدبیر مدن و راجع به سیاست مدن و راجع به کشورها و راجع به اداره کشورها برنامه ندارد. گمان نشود که اسلام هم مثل آنها برنامه ندارد.»(خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۳۱). در اندیشه رهبر معظم انقلاب نیز اسلام ناب همگام با سیاست ورزی و اداره جامعه انسانی است و بخاطر همین قدرتمندان و سلطه‌گران دنیا با آن دشمنی می‌ورزند. ایشان در رابطه با قابلیت‌های اسلام می‌فرماید: «[اسلام] دارای نظامات است، دارای سیاست است، دارای حکومت است، دارای ارتش است، دارای نیروی مسلح است، دارای توانایی‌های علمی است، دارای توانایی‌های بین‌المللی [است].»(خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۵/۳۱).

۲. **انگاره حداکثری:** انگاره حداکثری به این معنا که دین درهدف بعثت انبیا هر آنچه را که بشر در هدایت خود نیاز داشت برآورده کرده است.بنابر این، برنامه-ریزی برای ادامه حیات اجتماعی انسان و رسیدن به تمدن در شأن انسان نیز جزو نیاز او تلقی می‌گردد(ابن سینا، ۱۳۶۱، ج ۳، ص ۳۷۱ و طباطبایی، ۱۳۷۲، ص ۱۱۰). از این رو، نگاره حداکثری به دین، برابندش تحقق تمدن نوین اسلامی خواهد بود؛ زیرا دین حداکثری افزون بر تأمین رابطه فردی انسان با خدا، هم جامعه‌ساز است و هم نویدبخش تمدن نوین اسلامی است. امام خامنه‌ای در معرفی دین و اینکه دارای خصوصیت نظام‌سازی است، می‌فرماید: «دین یک نظام اجتماعی به بشر ارائه

می‌کند، و نه فقط یک‌سلسله عبادات و عادات. هرچند که عبادات و عادات نیز انباشته از روح زندگی و در جهت همان نظام است؛ و این نظام اجتماعی مبتنی بر همان جهان‌بینی و ساخته به شکل آن است.» (خامنه‌ای، ۱۳۶۶/۶/۳۱). این نوع نگرش به دین، همان برابری اسلام ناب محمدی است که اهل بیت (ع) مبلغ آن بودند و امام خمینی (ره) نیز بر اساس آن انقلاب اسلامی ایران را پایه‌ریزی نموده است. البته اسلام ناب رقیبان جدی همچون اسلام آمریکایی و انگلیسی دارد که برابری فعالیت‌های آنها ترویج تمدن غربی و سکولار است که نگاهشان به دین در حالت خوشبینانه، نگاه فردی و حداقلی است و مقام معظم رهبری همگان را نسبت به آنها برحذر می‌دارد و می‌فرماید: «به اسلام آمریکائی و انگلیسی بدبین باشید، که شما را به دام سرمایه‌داری غرب و مصرف‌زدگی و انحطاط اخلاقی می‌کشاند.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴). از آنچه گذشت می‌توان دریافت که اسلام دین جامع و کامل است و انتظار تحقیقیابی تمدن نوین اسلامی در پرتو آن، دور از انتظار و واقعیت نخواهد بود.

### پیش‌انگاره دوم: توحید باوری

یکی از پیش‌انگاره‌های مهم در تحقق تمدن نوین اسلامی، توحید است. به این معنا که توحید و باور به خدای واحد موجب بازشناسی تمدن اسلامی از تمدن‌های غیر اسلامی می‌شود و به آن روح می‌بخشد. خدا باوری و ایمان واقعی به پروردگار از پایه‌های اساسی و اصلی تمدن نوین اسلامی است. باور به توحید در اسلام بسیار مهم است چنانکه خداوند در قرآن فلسفه بعثت انبیا را رسیدن به توحید دانسته و می‌فرماید: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل، ۳۶). و در حقیقت در میان هر امتی فرستاده برانگیختیم تا خدا را بپرستید و از طاغوت بپرهیزید. بر اساس این آیه شریفه تمام اهداف بعثت انبیا الهی در توحید و اجتناب از طاغوت بوده است. از آنجا که تمدن نوین اسلامی نیز در راستای

اهداف انبیای الهی است و انبیا همواره تلاش می‌نمودند زمانی فرابرسد تا مردم همراه با دینداری در آسایش زندگی نمایند، از این جهت ضروری است که تمدن نوین اسلامی بر اساس توحید بنا نهاده شود (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۲، ۲۴۲). از این رو، جامعه‌ای که با هدف تحقق تمدن نوین اسلامی اداره می‌شود مبتنی بر اندیشه توحیدی است. امام خامنه‌ای بینش و نگرش توحیدی را زیربنا و قاعده اساسی همه برنامه‌ها و افکار زندگی‌ساز در اسلام می‌داند. از نگاه ایشان توحید در اداره جامعه و تمدن‌سازی می‌تواند نقش اساسی داشته باشد. چنانکه می‌فرماید: «توحید هم جزو جهان‌بینی اسلام است و هم جزو ایدئولوژی سازنده زندگی‌ساز اسلام است.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص ۱۸۱). بر همین اساس، ایشان در بیانی می‌فرماید: «توحید رکن اصلی بینش و نگاه و تلقی این اسلامی است که ما می‌خواهیم براساس آن این حکومت و این نظام و این حرکت را راه بیندازیم.» (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۹/۱۲). مقام معظم رهبری اسلام را در اداره جامعه انسانی و سروسامان دادن به آن پرتوان می‌داند و می‌فرماید: «در صدر اسلام، یک جمعیت کوچک، دور از مدنیّت و دانش و محروم از همه‌ی خیرات زندگی، به برکت همین اصول و با تمسک به همین پایه‌های مستحکم توانستند بزرگترین مدنیّت را در طول چند قرن در دنیا به راه بیندازند و دنیا از مدنیّت و علم و پیشرفت آن‌ها بهره برد.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۷/۲).

### پیش‌انگاره سوم: عقل محوری

یکی از پیش‌انگاره‌ها و زیرساخت‌هایی که تحقق تمدن نوین اسلامی بر آن توقف دارد، عقل است؛ زیرا بر اساس کلام امام علی (ع) «الْعَقْلُ يَهْدِي وَيُنْجِي» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۶۷) عقل راهنمایی می‌کند و نجات می‌دهد. از همین رو است که گفته می‌شود: عقل همان پیامبر و حجت درونی است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۶). عقل در لغت به معنای بازداشتن یا چیزی که معنای بازداشتن را برساند اطلاق

می‌گردد (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۶۹) اما در اصطلاح منطقدانان عقل عبارت از چیزی است که در مدرکات حسی، خیالی و وهمی انسان غور می‌کند و صحیح را از غیر صحیح آنها بازشناسی می‌نماید (مظفر، ۱۳۷۹، ص ۱۴). عقل از حیث فهم و ادراک حقایق خارجی به عقل نظری و عقل عملی تقسیم می‌شود (بهمنیار، بی‌تا، ص ۸۱۲). عقل نظری آن است که به ادراک کلیات می‌پردازد که نتیجه آن ادراک، علم و معرفت می‌باشد و کاری به عمل ندارد. مانند: خدا وجود دارد، جهان حادث است و مانند آن. اما عقل عملی آن است که انسان با تجربیات به این نتیجه برسد که کدام فعل را انجام دهد و کدام را انجام ندهد (فارابی، ۱۴۰۵ق، صص ۵۳-۵۵). مانند: ظلم بد است نباید انجام داد، عدل خوب است باید انجام داد و یا تمدن نوین اسلامی خوب است و باید برای تحققش تلاش کرد و مانند آن. با این اوصاف می‌توان گفت: تحقق تمدن نوین اسلامی بر پایه عقل و خردورزی استوار است؛ زیرا بکارگیری عقل و خردورزی موجب جلوگیری از سطحی‌نگری، افراط‌گرایی و تفریط‌گرایی می‌شود. البته زمانی عمل به عقل و خردورزی در تحقق تمدن مورد نظر، کمک کار خواهد بود که آن عقل مبتنی بر جهان‌بینی الهی و توحیدی باشد؛ زیرا عقل مبتنی بر جهان‌بینی الهی و توحیدی برایش تولید معرفت دینی، معناگری نقل اعم از آیات و روایات، سنجش‌گری و بازشناسی حق از باطل و مانند آن می‌شود (کردفیروزجائی، ۱۳۹۸، صص ۱۴۰-۱۴۲) و هر یک از اینها در تحقق تمدن نوین اسلامی تأثیرگذارند.

رهبر معظم انقلاب در رابطه با نقش عقل در تحقق تمدن نوین اسلامی می‌فرماید: «برای تشکیل مدینه فاضله و امت واحده اسلامی و تمدن بزرگ اسلام، باید عقل را معیار و ملاک قرار بدهیم. اولین کار در این راستا این است که تقویت نیروی عقل و خرد در جامعه انجام شود.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۴/۲۹) به اعتقاد ایشان یکی از مشکلات بزرگ مسلمانان، به کار نبستن عقل و خرد خدادادی است که

سبب خسارت‌های مادی، معنوی، دنیوی و اخروی شده و تشکیل امت بزرگ واحد اسلامی را با اختلال مواجه کرده است (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۴/۲۹). مقام معظم رهبری عامل اصلی پیدایش تمدن منحرف غربی را دوری روحانیت غربی از عقلانیت و خردورزی در دوره قبل از رنسانس معرفی می‌نماید (خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۳/۲۲).

### پیش‌انگاره چهارم: امامت محوری

یکی از پیش‌انگاره‌های تحقق تمدن نوین اسلامی، وجود امامت و رهبری است. امامت مسئولیت رهبری در امور دین و دنیا را به عهده دارد (لاهیجی، ۱۳۸۳، صص ۴۶۱-۴۶۲). از این رو، می‌توان گفت: امام همان رهبر و پیشوای صالحی است که جهت هدایت جامعه به سوی تحقق تمدن نوین اسلامی ایفای نقش می‌کند و چنین امامی لازم است از لغزش‌ها و اشتباهات پیراسته باشد (خامنه‌ای، ۱۳۹۱، ص ۶۰). این مسئولیت در زمان حضور توسط شخص امامان معصوم (ع) و در زمان غیبت توسط فقیه جامع شرایط انجام می‌پذیرد. امامت و رهبری از ارکان تحقق تمدن نوین اسلامی است؛ زیرا در طول تاریخ ثابت شد که هیچ حرکت تمدنی صورت نگرفته و به سرانجام نرسیده است مگر اینکه در رأس آن رهبر لایق معصوم (ع) یا منصوب از طرف معصوم (ع) وجود داشته است. در تحقق تمدن نوین اسلامی امامت و رهبری همچون نخ تسبیح می‌تواند امت اسلامی را در کنار هم قرار دهد و آنان را از تفرقه برهاند (خوئی، بی‌تا، ج ۹، ص ۴۹). در عصر حاضر نیز تحقق تمدن نوین اسلامی بدون توجه به هدایت‌گری‌های اهل بیت (ع) و امام معصوم (ع)، یا جانشین منصوبش بی‌معنا است و بدون این نگاه، تمدن نوین اسلامی مورد نظر امام خامنه‌ای محقق نخواهد شد.

### پیش‌انگاره پنجم: انسان‌شناسی

یکی از مبانی و پیش‌انگاره‌های کلامی تحقق تمدن نوین اسلامی، مبنای انسان

شناختی است؛ طرح انسان‌شناسی در تحقق تمدن نوین اسلامی از دو منظر قابل بررسی است. از منظر اول اینکه انسان است که با ایجاد تحول می‌تواند در تحقق تمدن نوین اسلامی گام بردارد. از این جهت انسان از ارکان مهم تحقق تمدن نوین اسلامی است (فاضل قانع، ۱۳۹۶، ص ۴۱). از منظر دیگر اینکه انسان دارای ویژگی‌ها و ظرفیت‌هایی است که بخاطر آن تحقق تمدن نوین اسلامی ضروری و لازم می‌شود. در اینجا تلاش می‌شود به قسم دوم پرداخته شود؛ زیرا انسان با توجه به خصوصیتی که دارد مقتضی آن است که تمدن نوین اسلامی محقق گردد. از این رو، انسان‌شناسی از پیش‌انگاره‌ها و زیرساخت‌های جدی آن تلقی می‌گردد. بنابراین، تحقق تمدن نوین اسلامی، بدون شناخت کافی از انسان میسر نیست. از این رو، لازم است ویژگی و نیاز انسان به عنوان زیرساخت و بن‌مایه تحقق تمدن نوین اسلامی در حوزه انسان‌شناسی مورد بررسی قرار گیرد.

۱. **کرامت انسان:** انسان به لحاظ هستی‌شناختی یک ارزش ذاتی دارد که خدا به وی ارزانی داشته است. این ارزش ذاتی با واژه کرامت و معادل‌های آن نشان داده می‌شود. قرآن کریم به این نوع کرامت تصریح دارد و می‌فرماید:

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاَهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا (اسراء: ۷۰)؛ و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم، و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب‌ها] برنشانیدیم، و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم، و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم.

این آیه شریفه پس از گرامی داشتن انسان، وی را به فضیلت‌هایی مانند نشانیدن بر مرکب برای ایاب و ذهاب، ارتزاق از اشیاء پاک و طاهر و برتری نسبت به دیگر موجودات مانند فرشتگان توصیف نموده است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۳، ص ۱۵۷). هریک از اینها نشان دهنده آن است که انسان دارای شرافت و کرامت است که باید



گرامی داشته شود.

انسان با استفاده از کرامت هستی شناختی و ذاتی استعداد دارد و می‌تواند به ساحت ارزش شناختی آن نیز دست یابد که به آن کرامت استحصالی یا اکتسابی اطلاق می‌گردد. مقصود از این نوع کرامت (استحصالی) ویژگی‌هایی است که انسان با اختیار خویش در پرتو ایمان و ریاضت‌های شرعی به آن می‌رسد. بر همین اساس، گفته می‌شود هیچ مکتبی به اندازه اسلام، ارزش و کرامت انسان را والا نمی‌داند. از این رو، یکی از اصول اسلامی که همیشه در تعریف و معرفی اسلام مطرح بوده است، اصل «تکریم انسان» است. (خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۹/۲۵) یعنی بر اساس مکتب اسلام لازم است از حقوق حقیقی و طبیعی انسان دفاع شود و این عمل بنحو کامل و صحیح و بدون نقص فقط در تمدن نوین اسلامی محقق می‌گردد. فقط در عصر تمدن نوین اسلامی است که از کرامت انسانی بنحو صحیح پاسداری می‌شود. با این وصف، جهت پاسداشت کرامت هستی شناختی و ارزش شناختی انسان، تحقق تمدن نوین اسلامی امری لازم و انکار ناپذیر می‌باشد.

۲. **مدنیت انسان:** از نگاه همه الهی دانان و متکلمان مسلمان، انسان موجودی مدنی بالطبع است (طوسی، ۱۴۰۵ق، ص ۳۶۳؛ فیاض لاهیجی، ۱۳۸۳، ص ۳۶۰؛ نراقی، ۱۳۶۹، ص ۹۵؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۱۲۶ و مطهری، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۳۷۴). بدین معنا که انسان طبعاً مایل به شهرنشینی و تمدن است و بدون زندگی تمدنی و اجتماعی نمی‌تواند نیازهای خود را برطرف نماید. اکنون این پرسش مطرح می‌شود که کدام جامعه می‌تواند مدینه فاضله انسان تلقی گردد و سعادت انسان را تأمین کند؟ آیا انسان در هر جامعه و تحت هر شرایطی می‌تواند استعدادهای انسانی خود را شکوفا نماید؟ پاسخ این پرسش با نوع نگاه‌ها به انسان برآیند می‌شود. اگر انسان موجود مطلق نگرسته شود، به این معنا که وی مالک حقیقی جهان است چنانکه از «فویر باخ» نقل شده که: «انسان خدای انسان

است» یا «خداوند چیزی جز انسان در نظر خود انسان نیست» (دیویس، ۱۳۷۸، ص ۳۸) چنین انسانی قطعا رشد یافته در پرتو تمدن لیبرال دموکراسی غرب خواهد بود و با تمدن نوین اسلامی همخوانی نخواهد داشت. اما اگر نگاه‌ها به انسان، مطلق نباشد، بلکه انسان بنده و عبد خدا تلقی گردد که در این جهان خلق شده تا با اطاعت از خدا به سعادت جاودانه برسد، در این صورت نمی‌توان رشد آن را در پرتو تمدن غیر اسلامی جستجو نمود. با این فرض، جهت رشد و تعالی انسان، تحقق تمدن نوین اسلامی لازم و ضروری خواهد بود و تنها تمدن نوین اسلامی است که می‌تواند در رشد و تعالی مبتنی بر فطرت الهی انسان موفق باشد.

**۳. ظرفیت وجودی انسان:** انسان دارای ظرفیت وجودی بالایی است. بدین معنا که از نظر فهم و ادراک فوق‌العاده است و اگر بخواهد، استعداد این را دارد که نسبت به همه کائنات علم پیدا کند. امام علی(ع) ظرفیت شگرف انسان را از امتیازات او می‌داند چنانکه خطاب به کمیل بن زیاد می‌فرماید: «إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ أَوْعِيَةٌ، فَخَيْرُهَا أَوْعَاهَا» (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۹۵)؛ دل‌ها همانند ظرف‌هاست پس بهترین آنها ظرفی است که مقدار بیشتری را بتواند نگهداری کند. از آنجایی که نفس انسان در ذات خود دارای ظرفیت بالایی است و می‌تواند معارف فراوانی را در خود بگنجاند، پس صاحب آن، بالقوه می‌تواند از ارزش ویژه‌ای برخوردار شود. بر همین اساس حکما و فلاسفه در آثارشان عقل هیولانی یا عقل بالقوه را مطرح می‌نمایند که همه انسان‌ها از آن برخوردارند (فارابی، بی‌تا، ص ۱۰). مقام معظم رهبری نیز در این رابطه می‌فرماید: «انسان استعداد دارد که تا آخرین نقطه تعالی حیاتِ ممکنات بالا برود؛ اما بقیه موجودات این امکان را ندارند.» (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۹/۱۲). معظم له در معنای آیه شریفه «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» (تین/۴) می‌فرماید:

«احسن تقویم» معنایش این نیست که ما جسم انسان را طوری آفریده‌ایم که مثلاً سرش با دستش با چشمش با تنش تناسب دارد؛ این که مخصوص انسان نیست؛ هر حیوانی نیز همین‌طور است. در بهترین تقویم، یعنی در بهترین اندازه‌گیری انسان را آفریده‌ایم؛ یعنی آن اندازه‌گیری‌ای است که رشد او دیگر نهایت و اندازه‌ای ندارد.» (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۹/۱۲)

رهبر معظم انقلاب در بیان دیگری در رابطه با ظرفیت وجودی انسان می‌فرماید: «انسان می‌تواند با استخراج گنجینه‌های استعداد که در نهاد اوست خود را و جهان را که برای او آفریده شده به زیباترین وجهی بسازد و بیاراید، و با دو بال علم و ایمان به عروج معنوی و مادی نائل آید، و می‌تواند با تضييع یا به انحراف کشاندن این استعدادها جهنمی از ظلم و فساد در جهان بیافریند.» (خامنه‌ای، ۱۳۶۶/۶/۳۱) از این رو، انسان‌ها با تلاش و ظرفیت‌سازی و با استفاده از ظرفیت‌های موجود می‌توانند آن را تبدیل به فعلیت نمایند. بر این اساس، ظرفیت بالقوه وجودی انسان می‌تواند با تحقق تمدن نوین اسلامی به فعلیت برسد.

### نتیجه‌گیری

نتایجی که از تحقیق پیش‌انگاره‌ها و زیرساخت‌های تحقق تمدن نوین اسلامی با رویکرد مسائل کلامی با تأکید بر اندیشه امام خامنه‌ای می‌توان به دست آورد به شرح زیر است.

۱. تمدنی می‌تواند با فطرت و خواسته‌های واقعی انسان همخوانی داشته باشد و او را به سعادت نزدیک نماید که بر اساس آموزه‌های اسلام و وعده‌های الهی - که در آخرین کتاب الهی (قرآن) به آن اشاره شده است - باشد. از این رو، تمدن غرب بخاطر تغایر با فطرت انسانی و دوری از آموزه‌های دین جاودانه موجب سعادت مادی و معنوی بشریت نخواهد بود.

۲. تمدن نوین اسلامی موعود، با نگاه حداکثری به گستره دین قابل تحقق است. با

این فرض، نگاه حداقلی به دین ضمن تصادم با ویژگی‌های ذاتی دین اسلام، با تحقق تمدن نوین اسلامی نیز به مخالفت می‌پردازد. از این رو، باورمندان به نگاه حداقلی، به تحقق تمدن نوین اسلامی باور نخواهند داشت.

۳. از بنیان‌های مهم تحقق تمدن نوین اسلامی، باور به توحید در همه ابعاد بخصوص در توحید عملی می‌باشد. از این رو، در مسیر تحقق تمدن موعود، نمی‌توان امید و اتکا به دشمن داشت، نمی‌توان ولایت دشمن را پذیرفت، نمی‌توان از دشمن اطاعت کرد و مانند آن و فقط باید در سایه ولایت خدا و مأذونان از طرف خدا خیمه زد.

۴. همراهی با اهل‌بیت(ع) و اقتدا به آن از پیش فرض‌ها و لوازم اجتناب ناپذیر تحقق تمدن نوین اسلامی است و این پیش فرض در زمان حضور با هدایت مستقیم امام معصوم(ع) و در زمان غیبت با مدیریت فقیه جامع الشرایط محقق می‌گردد.

۵. انسان با توجه به ویژگی‌ها و برخورداری از ظرفیت‌های شگرف وجودی، مقتضی تحقق تمدن نوین اسلامی است، تا بتواند به وسیله آن، استعدادهای بالقوه خود را به فعلیت برساند.

## کتابنامه

### قرآن کریم

ابن خلدون عبدالرحمن بن محمد (۱۳۶۳)، مقدمه ابن خلدون، به کوشش: علی عبدالواحد، قاهره: دارالنهضة.

ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۶۱)، الاشارات والتنبیها، تهران: نشرکتاب.

ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دارالفکر.

اکبری، مرتضی و رضایی، فریدون (۱۳۹۴)، واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری، دوفصلنامه الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، دوره سوم، بهار و تابستان صص ۸۵-۱۰۸.

بازرگان، مهدی (۱۳۸۱)، آخرت و خدا، هدف بعثت انبیا، فصلنامه کیان، شماره ۲۸.

بابایی، حبیب‌الله (۱۳۹۶)، تبارشناسی مفهوم تمدن در غرب جدید، آئینه پژوهش، سال بیست و هشتم، شماره اول، فروردین و اردیبهشت، صص ۵۳-۶۲.

بابایی، حبیب‌الله (۱۳۹۳)، کاوش‌های نظری در الهیات و تمدن، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.

بهمنیار بن المرزبان (بی تا)، التحصیل، تهران: دانشگاه تهران.

بیگدلی، عطاءالله (۱۳۹۶)، تمدن‌شناسی، درآمدی بر ظهور و افول تمدن‌ها و وضعیت

تمدنی انقلاب اسلامی، تهران: بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع).

جعفری، محمد تقی (۱۳۶۲)، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران: فرهنگ اسلامی.

جمعی از نویسندگان (۱۳۹۶)، مجموعه مقالات نخستین هفته علمی تمدن نوین

اسلامی، تهران: شرکت چاپ و انتشارات.

جهان بین، فرزاد و معینی پور، مسعود (۱۳۹۳)، فرایند تحقق تمدن اسلامی از منظر

حضرت آیت الله خامنه‌ای، فصلنامه پژوهش‌های مطالعاتی انقلاب اسلامی، سال یازدهم، زمستان، شماره ۳۹، صص ۲۹-۴۶.

حقیقی، سیدحسین (۱۳۹۶)، *تمدن نوین اسلامی*، تهران: شرکت چاپ و انتشارات. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۰۷ق)، *کشف المراد*، تعلیقه: حسن حسن زاده آملی، قم: انتشارات اسلامی.

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۲/۸/۲)، بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام در سالروز عید سعید مبعث؛ قابل دسترسی در نرم افزار حدیث ولایت.

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۶/۶/۳۱)، بیانات در چهل‌ودومین مجمع عمومی سازمان ملل؛ قابل دسترسی در نرم‌افزار حدیث ولایت.

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۶/۶/۳۱)، بیانات در چهل‌ودومین مجمع عمومی سازمان ملل؛ قابل دسترسی در نرم‌افزار حدیث ولایت.

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۹/۷/۱۴)، بیانات در جمع اساتید و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه.

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۹/۹/۱۲)، بیانات در دیدار کارگزاران نظام.

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰/۱۱/۱۴)، *خطبه‌های نماز جمعه تهران + ترجمه خطبه عربی*.

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۲/۳/۱۴)، بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران؛ قابل دسترسی در نرم‌افزار حدیث ولایت.

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۴/۳/۱۴)، بیانات در مراسم شانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره)؛ قابل دسترسی در نرم‌افزار حدیث ولایت.

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۷ / ۰۹ / ۱۷)، پیام به کنگره عظیم حج؛ قابل دسترسی در:

<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=4821>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۴/۲/۱۹)، بیانات در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های

- استان کرمان؛ قابل دسترسی در نرم‌افزار حدیث ولایت.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۱/۹/۲۵)، بیانات در دیدار جمعی از زنان.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۵/۵/۳۱)، بیانات در دیدار ائمه جماعات مساجد استان تهران.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۳/۷/۵)، بیانات در دیدار با جوانان نخبه و دانشجویان؛ قابل دسترسی در نرم‌افزار حدیث ولایت.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۶/۶/۶)، بیانات در دیدار طلاب حوزه‌های علمیه استان تهران.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۱)، *انسان ۲۵۰ ساله*، تهران: مؤسسه جهادی صبا.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۳)، *کلام جدید*، قم: مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه.
- خمینی، سیدروح الله (۱۳۸۵)، *صحیفه امام*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خوئی، میرزا حبیب الله (بی تا)، *منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه*، تهران، مکتبه الاسلامیه.
- دورانت، ویلیام جیمز (۱۳۸۵)، *تاریخ تمدن*، ترجمه: احمد آرام و دیگران، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- دیویس، تونی (۱۳۷۸)، *اومانیزم*، ترجمه: عباس مخبر، تهران، نشر مرکز.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۴)، *مدارا و مدیریت*، تهران: صراط.
- السیوری الحلی، مقدادبن عبدالله (۱۴۰۵ق)، *ارشاد الطالبین الی نهج المسترشدین*، قم: آیت الله مرعشی نجفی.
- شریف الرضی، محمدبن حسین (۱۴۱۴ق)، *نهج البلاغه*، تحقیق: صبحی صالح، قم: هجرت.

- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۱)، *شیعه در اسلام*، قم: هجرت.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۰ق)، بیروت: مؤسسه الاعلمی.
- طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۴۰۵ق)، *تلخیص المحصل*، بیروت: دارالاضواء.
- عمید، حسن (۱۳۶۴)، *فرهنگ فارسی عمید*، تهران: امیرکبیر.
- فارابی، ابونصر (۱۴۰۵ق)، *فصول منتزعه*، تهران: الزهراء.
- فارابی، ابونصر (بی تا)، *آراء اهل المدینه الفاضله و مضاداتها*، بی جا: مکتبه الهلال.
- فاضل قانع، حمید (۱۳۹۶)، *ظرفیت‌های تمدنی اسلام*، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).
- فیاض لاهیجی، عبدالرزاق (۱۳۸۳)، *گوهر مراد*، تهران: نشر سایه.
- فیاض لاهیجی، عبدالرزاق (بی تا)، *شوارق الالهام*، اصفهان: انتشارات مهدوی.
- کرد فیروزجائی، اسداله (۱۳۹۸)، *اعتبار سنجی کارکرد معرفتی عقل با تأکید بر اندیشه شیخ مفید، دوفصلنامه عقل و دین*، سال یازدهم، شماره بیستم، بهار و تابستان، صص ۱۲۵-۱۴۸.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *اصول کافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶)، *عیون الحکم والمواعظ*، قم: دارالحديث.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷)، *مجموعه آثار*، ج ۲ و ۴، تهران: صدرا.
- مظفر، محمدرضا (۱۳۷۹)، *المنطق*، قم: دارالعلم.
- مظفر، محمدرضا (۱۴۲۲ق)، *دلائل الصدق لنهج الحق*، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- نراقی، ملامهدی (۱۳۶۹)، *انیس الموحدين*، تهران: الزهراء.
- یاوری سرتختی، محمدجواد (۱۳۹۸)، *ظرفیت نظام آموزشی امامیه (با تأکید بر پنج قرن نخست هجری)*، *دوفصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی*، دوره دوم، شماره اول، بهار و تابستان.



